

افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۸ جولای ۲۰۲۰

بی اعتمادی بین جواسیس عمق می یابد!

جمعه - ۲۷ سرطان ۱۳۹۹ - کابل: در یادداشت امروز توجه شما را به گفته های "همکار سابق" ما که گفته ام اینک در "جمع از ما بهتران" مدارج ترقی شغلی را طی می نماید، جلب می نمایم. او که از مدتها بدین سو، زیاد به نظر نمی خورد و اگر اینجا و یا آنجا دیده هم می شد، به گفته مردم "دم به دست نمی داد" و از ایستادن و سخن زدن با ما "مردم زمین" زیاد خوشش نمی آمد، به صورت غیر مترقبه امروز در محل ختمی آمده بود که هیچ کس انتظارش را نداشت.

برخورد و پیشامد امروزش خلاف ماه های گذشته، به مانند سالهای قبل بسیار باز بود تا حدی که انسان بدین فکر می افتاد که احتمالاً شرکت در آن محفل نسبتاً خصوصی، دستوری بوده باشد تا اختیاری.

از این نکات که بگذریم بحثی را اکه امروز وی در جمع شنوندگان مطرح نمود، تشدید اختلاف و تضاد بین "حمدالله محب" و "امراالله صالح" از یک سو و تزئید بدگمانی بین "امراالله صالح" و "غنی احمدزی" به علت حمایتی که "غنی احمدزی" از "حمدالله محب" می نماید از سوی دیگر بود. وقتی در هر دو مورد با زیر سؤال بردن حرفهایش وی را تحریک به بی پرده سخن گفتن نمودیم، وی گفت:

۱- سکتاریسم نهادینه شده در وجود "امراالله صالح" و شوینیسیم عظمت طلبانه در وجود "غنی احمدزی" و "حمد الله محب" - وی هر دو را قوم پرستی گفت- عامل اصلی این تضادها و حتا تقابل ها می باشد. در این میان "غنی احمدزی" می کوشد به هر دو طرف بفهماند که می باید حرکات و کردارشان را مطابق خواست وی عیار بسازند.

۲- بعد از کشتن "آمر ستار غوربندی" که نفر نزدیک به "امراالله صالح" بود توسط یکی از گماشتگان "حمد الله محب"، و به جای نرسیدن انتقادات "امر الله صالح" و بی نتیجه ماندن تحقیقات که گویا "غنی احمدزی" شخصاً گفته است: "هرچه بود گذشت. آمر ستار دوباره زنده نمی شود. جنجال را بین خود ختم کنید" و از "حمدالله محب" خواسته است که «من بعد در امور امنیتی با "صالح صایب" مشوره کرده تصمیم بگیرد»، از یک جانب "صالح" فکر می کند که می تواند در امور "امنیت ملی" مداخله نماید و از جانب دیگر "حمدالله محب" تلاش می ورزد تا با تمام قدرت ادارات را از وجود افرادی که نزدیکی و یا تمایلی به "صالح" داشته باشند، پاکسازی نمایند.

۳- همین مسأله باعث شده است که فضای عدم اعتماد بین "غنی احمدزی" و "امر الله صالح" مطلقاً تیره و تاریک شده، نه تنها هیچ یک بر دیگری اعتماد ندارد و فکر می کنند که هر لحظه ممکن است از طرف دیگر مورد حمله مرگبار قرار بگیرد، بر گستره تصفیه ها و توطئه های متقابل علیه یک دیگر نیز افزوده اند.

آنها چنان از همدیگر خوف دارند که حتی ضوابط امنیتی را نیز در نظر نمی گیرند. از جمله: مسافرت های مشترک آنها به ولایات. این که "غنی احمدزی" حین دیدار از ولایت "کاپیسا"، "امراالله صالح" را نیز با خود همراه سازد، هرچند از لحاظ امنیتی درست نیست، زیرا حتا در کشور هائی مانند امریکا که به مقایسه با اوضاع امنیتی افغانستان و درصد آسیب رسانی به رئیس جمهور، هزاران بار مطمئن تر است، هیچ گاهی رئیس جمهور و معاونش یک جا مسافرت نمی کنند؛ تا چه رسد به کشوری مانند افغانستان که از در و دیوارش گلوله و راکت می بارد، با آنها می توانست قابل تفاهم باشد آنها بدین بهانه که گویا کاپیسا منطقه ای بوده که بیشترین "رای" خود را "صالح" از آن جا برده است و رفتن "غنی احمدزی" به منطقه نفوذ "صالح" بدون خودش، می توانست کار ناپسندی تلقی گردد، مگر وقتی "غنی احمدزی" دست "صالح" را حین مسافرت به "غزنی" نیز گرفته وی را با خود می برد، بیانگر اوج بی اعتمادی طرفین بر یک دیگر است.

"غنی احمدزی" از این هراس دارد که نکند "صالح" به مثابه یک عنصر استخباراتی که سر در گریبان چندین نهاد استخباراتی شرق و غرب داشته و دارد، حین مسافرت وی به یکی از ولایات، توطئه ای ترتیب داده، با از بین بردنش با تکیه بر قانون اساسی دولت دست نشانده اداره امور را به دست خود بگیرد.

از همین رو برای اطمینان خاطر خودش، صالح را با خود می گیرد، تا حب حیات، "صالح" را از چیدن توطئه علیه وی باز دارد.

هموطنان گرامی!

به نظر من این کاملاً امر عادیست که به موازات تشدید ضعف و فرسودگی هر چه بیشتر یک اداره، تضادهای درونی آن نیز حدت بیابند، از همین رو یادداشت امروز را به گفته های آن "هوشیار کل" از منظر خود اختصاص دادم امید است مفید باشد.

مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع، جزء لاینفک مبارزه علیه دولت دست نشانده می باشد!

سرکها ما را می طلبند!